**جلسه 72-184**

**‌شنبه – 05/12/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این بود که در روایت صحیحه حلبی سؤال کرد که شخصی اعمی بود، ‌نماز خواند با انحراف از قبله و عده‌ای به او اقتداء کردند، ‌بعد فهمیدند که نمازشان انحراف از قبله داشته، ‌امام علیه السلام طبق این روایت فرمود یعید و لایعیدون، آن امام اعمی نمازش را اعاده کند اما مامومین نمازشان صحیح است. چرا؟ لانهم قد تحروا، ‌چون این مامومین تحری کردند، ‌تلاش کردند، ‌اجتهاد کردند، ‌تحصیل ظن به قبله کردند، ‌نمازشان صحیح است و لو کشف خلاف بشود اما امام اعمی تحری نکرده، او نمازش اعاده دارد.

این روایت و لو فی حد ذاته هیچ قرینه‌ای ندارد در سؤال که اعمی تحری نکرده ولی مامومین تحری کردند، ولی از جواب امام این مطلب واضح شد برای ما که فرق بین مامومین و این امام اعمی در همین است که مامومین تحری کردند نمازشان اعاده ندارد، امام جماعت تحری نکرد نمازش اعاده دارد.

این‌که مرحوم آقای بروجردی فرمودند این روایت اشکال دارد چون که فرقی بین اعمی و غیر اعمی نیست. خب اعمی هم عادتا تحری می‌‌کند و لو به سؤال از دیگران.

خب درست است، فرق بین اعمی و غیر اعمی نیست ولی امام فرمود یعید و لایعیدون لانهم قد تحروا، لابد در سؤال سائل قرینه‌ای بوده بر این فرق بین اعمی و مامومین به اعمی. مثلا قرینه این بوده که اعمی آمد نماز را شروع کرد به یک جهتی خواند مامومین هم به اعتماد او به او اقتداء کردند و به همان سمتی که او نماز می‌‌خواند نماز خواندند. خب مامومین تحری کردند با اعتماد به این امام ولی خود امام تحری نکرده. ما که نمی‌توانیم از این ظهور روایت رفع ید کنیم در این‌که تحری فارق بین مامومین و این امام بود چون مامومین تحری کردند اعاده بر آن‌ها واجب نیست.

و لذا شبهه این است که بین این صحیحه حلبی و صحیحه معاویة بن عمار تعارض به عموم من وجه می‌‌شود. صحیحه معاویة بن عمار تفصیل داد فرمود اگر انحراف کمتر از نود درجه باشد ما بین المشرق و المغرب باشد نماز صحیح است، انحراف بیشتر باشد نماز باطل است اعم از این‌که تحری بکنند یا نکنند. صحیحه حلبی می‌‌گوید ملاک در عدم اعاده تحری است، ‌یعنی اگر تحری نکرده باشد این مصلی نمازش باطل است مطلقا و لو انحرافش کمتر از نود درجه باشد، اطلاق دارد دیگه. اطلاق صحیحه حلبی می‌‌گوید اگر تحری نکند مصلی نمازش باطل است در فرض انحراف از قبله مطلقا و لو انحرافش کمتر از نود درجه باشد. صحیحه معاویة ‌بن عمار هم می‌‌گوید اگر انحراف کمتر از نود درجه باشد اعاده ندارد این نماز مطلقا چه تحری کرده باشد این مصلی چه تحری نکرده باشد. نسبت می‌‌شود عموم من وجه. و در جایی که انحراف کمتر از نود درجه است و تحری نکرده این نمازگزار حالا یا غافل بوده یا متحیر بوده، امکان تحری نداشته، ‌بهرحال تحری نکرده، نمازش با انحراف از قبله کمتر از نود درجه بوده و تحری نکرده، اطلاق صحیحه حلبی می‌‌گوید اعاده کند این نماز را‌، یعید و لایعیدون لانهم قد تحروا، اطلاق صحیحه معاویة ‌بن عمار می‌‌گوید اعاده نکند چون انحرافش کمتر از نود درجه است.

برای جواب از این اشکال به نظر ما دو راه وجود دارد:

یکی این‌که ما قائل بشویم ذیل صحیحه معاویة ‌بن عمار که می‌‌گوید اگر انحراف کمتر از نود درجه بود نماز صحیح است دارد و ما بین المشرق و المغرب قبلة ‌این حاکم است، حاکم است بر این صحیحه حلبی که می‌‌گوید رجل اعمی صلی علی غیر قبلة که حمل می‌‌کنیم رجل اعمی صلی علی غیر القبلة ‌را بر انحراف بیشتر از ما بین المشرق و المغرب، ‌انحراف نود درجه به بالا.

که ما عرض کردیم بعید نیست این مطلب.

آقای حکیم اشکال کرد، ‌فرمود: حکومت ما بین المشرق و المغرب قبلة بر عنوان صلات الی غیر القبلةای است که در کلام امام بیاید نه در کلام سائل. در صحیحه حلبی هم در کلام سائل بوده که رجل اعمی صلی علی غیر قبلة.

و لکن ما باز بیشتر فکر کردیم به نظر ما حکومت اینجا هم عرفی است. خب بالاخره ظاهر این صحیحه حلبی این است که رجل اعمی صلی علی غیر قبلة یعید صلاته لانه لم یتحرّ، ما بین المشرق و المغرب قبلة حکومت دارد بر این. چه فرق می‌‌کند با این‌که این عنوان در کلام امام اخذ بشود، ‌در کلام سائل هم که اخذ بشود امام جوابش عطف به سؤال سائل است در قوه تکرار سؤال سائل است.

آن شاهدی هم که ما در تایید آقای حکیم ذکر می‌‌کردیم که یک کسی می‌‌گوید من پدرم را ایذاء می‌‌کرد در زمان حیاتش، چه بکنم امام به او بفرماید که تصدق علی الفقیر، بعد یک جای دیگر حدیث داریم که الاب اب ولدک و اب زوجک و اب علمک، می‌‌گفتیم عرف این را حاکم نمی‌داند بر آن خطاب، اگر واقعا این حدیث ظهور داشته باشد در حکومت به لحاظ آثار شرعیه، ‌چرا حاکم نداند؟ اگر واقعا یک حدیثی ظاهر باشد در حکومت به لحاظ ترتیب آثار شرعیه بگوید من زوجک او علّمک فهو اب لک فیجب علیک ان تطیعه مثلا، خب چرا اطلاق نداشته باشد نسبت به آن اثر شرعی که در سؤال سائل مطرح شد؟ چرا حاکم نباشد؟ چه فرق می‌‌کند با این‌که شما بروید از امام بپرسید هل یحرم الربا؟ امام بفرماید نعم بعد یک خطاب دیگر بیاید بگوید که لاربا بین الوالد و الولد.

[سؤال:... جواب:] همه موارد حکومت همین است دیگه، یا تضییق است یا توسعه است.... ما بین المشرق و المغرب قبلة ‌هم می‌‌خواهد بگوید اعاده لازم نیست.... حکم را می‌‌خواهد توسعه یا تضییق بدهد.... ماز این روایت حلبی فهمیدیم من صلی علی غیر القبلة وجب علیه اعادتها اذا لم یتحرّ، این را فهمیدیم. صحیحه معاویة بن عمار می‌‌گوید من صلی ما بین المشرق و المغرب لایعید صلاته و ما بین المشرق و المغرب قبلة.

اگر این جواب را پذیرفتید که به نظر جواب درستی می‌آید فهو و الا یک جواب دیگری باید بدهیم. جواب دوم که می‌‌دهیم این است که می‌‌گوییم این صحیحه حلبی ظهور ندارد در این‌که سائل تمام سؤالش را مطرح کرده چون که معنا ندارد سائل بگوید رجل اعمی صلی علی غیر القبلة جماعتی هم به او اقتداء ‌کردند همین‌جور امام بفرماید آن امام اعمی اعاده کند نمازش را مامومین اعاده نکنند چون این امام اعمی تحری نکرده مامومین تحری کردند، خب از کجا؟ چه قرینه‌ای بود بر این‌که امام که اعمی است تحری نکرده مامومین تحری کردند؟ امام اعمی مگه نمی‌تواند تحری بکند و لو با سؤال از دیگران، مامومین و لو چشم دارند مگه نمی‌شود بدون تحری نماز بخوانند؟‌ این معلوم می‌‌شود که سؤال سائل یک قرینه محذوفه‌ای دارد که به امام بیان کرده ولی به ما بیان نکرده. ظهور پیدا نمی‌کند بخاطر این قرینه عرفیه در این‌که این سؤال تمام مطلبی است که این راوی به امام عرض کرد. و لذا مجمل می‌‌شود. قدرمتیقن جایی است که آن امام اعمی جاهل متردد بوده در تشخیص قبله. وقتی اجمال پیدا کرد سؤال سائل، اجمال لنا، ما می‌‌گوییم برای امام قرینه را ذکر کرد که امام به این نتیجه رسید که امام تحری کرد مامومین تحری نکرد، ولی آن قرینه را برای ما ذکر نکرد، اجمال لنا می‌‌شود. اجمال لنا غیر از اجمال فی حد نفسه سؤال سائل است. اگر سؤال سائل اجمال فی حد نفسه داشت ترک استفصال در جواب امام مفید است برای اطلاق‌گیری ولی اجمال لنا موجب می‌‌شود که به جواب هم این اجمال سرایت کند. و لذا قدرمتیقن‌گیری باید بکنیم، قدرمتیقن از صحیحه حلبی جایی است که جاهل متردد بوده این امام اعمی در تشخیص قبله.

قرینه بر این‌که این سؤال ناقص بیان شده است این است که در صحیحه ابی بصیر و صحیحه عبدالرحمن بن ابی عبدالله سؤال کردند از اعمی حضرت فرمود ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقد فلایعید، مثل بقیه افراد جواب دادند. این معلوم می‌‌شود که در صحیحه حلبی یک قرینه محذوفه‌ای بوده است که این حلبی برای دیگران بیان نکرده.

[سؤال:... جواب:] مجمل صحبت کردن خلاف وثاقت نمی‌شود. ببینید!‌ یک وقت سؤال ظاهر است در خلاف واقع، یک وقت سؤال مجمل است. اجمال‌گویی خلاف وثاقت نیست‌، خلاف فصاحت است نه خلاف وثاقت.... اگر سؤال مجمل است و ما احتمال می‌‌دهیم مجمل لنا است نه مجمل فی نفسه به اطلاق جواب نمی‌توانیم عمل کنیم.... هرکجا شما نقض کنید ما ملتزم می‌‌شویم و لانبالی.... همین را عرض می‌‌کنیم. آخه چه خصوصیت دارد که تا امام شنید امام جماعت اعمی بوده مامومین به او اقتداء کردند بعد معلوم شد که انحراف از قبله داشتند سریع امام معصوم سلام الله علیه بفرمایند آن امام اعمی تحری نکرده نمازش را اعاده کند مامومین تحری کردند نمازشان را اعاده نکنند.... از کجا؟ شاید آن اعمی هم از دیگران تحقیق کرد.... اتفاقا آن اعمی می‌‌گویند اشتباه کرد، مامومین که چشم داشتند چرا به او اعتماد کردند، ‌بر عکس استظهار شما. مامومین اتفاقا ممکن است تحری نکرده باشند، چون وقتی امام اعمی است چرا نرفتی تحقیق کنی که قبله به کدام سمت است. این‌ها را ما با توجه به جواب امام که فرض کردند که این مامومین تحری کرده ولی امام تحری نکرده می‌‌فهمیم که بالاخره یک قرینه‌ای بوده بر این‌که این امام اعمی تحری نکرده و مامومین تحری کردند.

پس دو جواب ما از صحیحه حلبی می‌‌توانیم بدهیم. و به نظر ما هر دو جواب درست است، هم حکومت درست است که هم امام این را دارند در اصل این مطلب که ما بین المشرق و المغرب قبلة حاکم است بر روایاتی که می‌‌گوید من صلی علی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید و امثال ذلک و هم مرحوم آقای داماد دارند. این بیان دوم هم به نظر ما که موجب اجمال حدیث می‌‌شود بیان درستی هست.

[سؤال:... جواب:] راه دوم این است که صحیحه حلبی مجمل است و ما بعدا از این اجمالش استفاده بهینه خواهیم کرد.

در ادامه بحث صاحب عروه فرمود و لو کان فی الاثناء مضی ما تقدم و استقام فی الباقی. اگر وسط نماز فهمید انحرافش کمتر از نود درجه است خودش را با قبله تنظیم کند و نماز را ادامه بدهد.

دلیلش موثقه عمار است دیگه: رجل صلی علی غیر القبلة فیعلم و هو فی الصلاة قبل ان یفرغ من صلاته قال ان کان متوجها فی ما بین المشرق و المغرب فلیحول وجهه الی القبة ساعة یعلم و ان کان متوجها الی دبر القبة فلیقع الصلاة ثم یحول وجهه الی القبلة ثم یفتتح الصلاة.

یک روایتی است در تهذیب نقل می‌‌کند از قاسم بن ولید که مجهول است‌، می‌‌گوید:‌ سألته عن رجل تبین له و هو فی الصلاة انه علی غیر القبلة قال یستقبلها اذا ثبت ذلک و ان کان فرغ منها فلایعیدها.

بعضی‌ها گفتند ضمیر یستقبلها به نماز بر می‌‌گردد، یستقبلها یعنی یستقبل الصلاة یعنی نماز را از نو بخواند. که خب طبعا شبهه معارضه پیدا می‌‌کند با موثقه عمار چون موثقه عمار می‌‌گفت نماز را نیازی نیست از ابتداء بخواند، در ادامه خود را با قبله تنظیم کند.

و لکن یستقبلها ممکن است به قبله برگردد. یستقبلها یعنی یستقبل القبلة که این روایت هم می‌‌شود موافق با موثقه عمار. البته موردش فرض نشد انحراف کمتر از نود درجه ولی ما طبق موثقه عمار باید تقییدش بزنیم. بگوییم این روایت قاسم بن ولید در انحراف کمتر از نود درجه است.

[سؤال:... جواب:] بله، ‌این هم بعضی‌ها گفتند، گفتند چون الاقرب یمنع الابعد پس بهتر است که این ضمیر به قبله بخورد و لکن الاقرب یمنع الابعد در ظهورات عرفی قبول نداریم.... بله، در روایات یستقبل الصلاة استقبالا آمده یعنی و یستأنف الصلاة.... حالا کم یا زیاد بالاخره یستقبل الصلاة استقبالا.

[سؤال:... جواب:] جمع‌بندی این است که این روایت قطع نظر از سندش که ضعیف است ظهور ندارد یستقبلها در یستقبل الصلاة شاید یستقبل القبلة باشد که موافق موثقه عمار می‌‌شود.... اذا ثبت ذلک یعنی وقتی فهمید که انحراف از قبله داشته یستقبل القبلة.... بهرحال ظهور ندارد در این‌که ضمیر به صلات بر می‌‌گردد و اگر هم ظهور داشته باشد که ضمیر به صلات بر می‌‌گردد و ما نتوانیم توجیه کنیم که این ضمیر به قبله بر می‌‌گردد لقائل ان یقول حمل بر استحباب می‌‌شود. مستحب است که نماز را از سر بخواند و لکن موثقه عمار نص است که همین نماز را ادامه بدهد.

در ادامه فرمایش صاحب عروه آمده که و ان کان منحرفا عن الیمین و الیسار، ‌انحراف نود درجه‌ای اگر داشت از قبله یا مستدبر قبله بود عرفا، ‌صاحب عروه فرموده اگر مجتهد است یعنی تحری کرده، ‌تحصیل قطع یا تحصیل ظن کرده، در داخل وقت متوجه بشود اعاده کند در خارج وقت متوجه بشود قضاء ندارد. اما اگر تحری نکرده بود ناسی بود غافل بود جاهل بود، تحری نکرده بود، ما فتوی می‌‌دهیم، صاحب عروه می‌‌گوید ما فتوی می‌‌دهیم که هم داخل وقت اعاده کند هم اگر خارج وقت کشف خلاف شد قضاء کند.

راجع به فرمایش صاحب عروه اصل این‌که در خارج وقت قضاء ندارد انحراف از قبله و لو بیشتر از نود درجه مطابق با مشهور است. نکته‌اش را هم عرض کردیم در نسبت‌سنجی بین صحیحه معاویة ‌بن عمار که به اطلاقش می‌‌گفت اگر انحرافت بیش از ما بین المشرق و المغرب بود یعنی نود درجه یا بیشتر انحراف داشتی از قبله نماز را اعاده کن که اطلاق داشت می‌‌گفت چه داخل وقت چه خارج وقت و لکن روایات صحیحه متعدده‌ای بود می‌‌گفت من صلی علی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید که و ان کان خارج الوقت فلایعید هم اطلاق دارد چه انحراف کمتر از نود درجه چه بیشتر از نود درجه. ابتدائا که بخواهیم حساب کنیم نسبت عموم من وجه است. در انحراف نود درجه یا بیشتر، انحراف نود درجه که می‌‌شود انحراف الی الیمین و الیسار یا بیشتر از نود درجه، اطلاق صحیحه معاویة بن عمار می‌‌گوید یعید الصلاة چون انحراف بیش از ما بین المشرق و المغرب هست. اطلاق ان کان خارج الوقت فلایعید می‌‌گوید اعاده ندارد این نماز چون در خارج وقت ملتفت شدی. و لکن ما عرض کردیم این‌ها تعارض و تساقط نمی‌کنند چون اولا صحیحه معاویة ‌بن عمار قدرمتیقنش در انکشاف خلاف است در داخل وقت چون می‌‌گفت ثم ینظر بعد ما فرغ من الصلاة فیری انه صلی علی غیر القبلة. در انحراف کمتر از نود درجه فرمود داخل وقت هم ملتفت بشود اعاده ندارد پس این روایاتی که ما بین داخل وقت و خارج وقت تفصیل می‌‌دهد نمی‌تواند ناظر باشد به انحراف کمتر از نود درجه چون در انحراف کمتر از نود درجه صحیحه معاویة ‌بن عمار گفت داخل وقت هم اعاده ندارد. جمع موضوعی مقدم است بر جمع حکمی. صحیحه معاویة بن عمار می‌‌گوید در داخل وقت هم اعاده ندارد. پس این روایاتی که می‌‌گوید داخل وقت اعاده کن خارج وقت اعاده نکن باید حمل بشود بر انحراف بیشتر از نود درجه.

علاوه بر این‌که ما گفتیم ما بین المشرق و المغرب قبله که در ذیل صحیحه معاویة بن عمار است حاکم است بر این روایاتی که می‌‌گوید من صلی علی غیر القبلة ان کان فی الوقت فلیعد و ان کان خارج الوقت فلایعید.

اما چهار مطلب اینجا هست که عرض می‌‌کنیم:

مطلب این است که صاحب عروه فرمود مجتهد مخطی یعنی متحری، ‌لاینبغی ان یترک الاحتیاط بالقضاء عند انکشاف الاستدبار، سزاوار نیست ترک کند احتیاط را با قضاء کردن نماز در فرضی که منکشف بشود عرفا مستدبر قبله بوده. حالا اگر عرفا استدبار قبله صدق نکند نود درجه انحراف از قبله داشته، اینجا احتیاط مستحب است قضاء این نماز ولی اگر صدق کند که استدبار قبله داشته لاینبغی ترک الاحتیاط بالقضاء یعنی احتیاط مستحب مؤکد.

آقا!‌ نکته‌اش چیه که شما در استدبار قبله سخت‌تر گرفتید؟ ما نکته‌ای برایش نمی‌فهمیم غیر از این‌که در موثقه عمار داشت وسط نماز اگر فهمیدی ما بین المشرق و المغرب بودی متوجه قبله بشو نمازت را تمام کن. اگر ملتفت بشوی که مستدبر قبله بودی و ان کان فی دبر القبلة اعاد الصلاة ، ‌این ربطی به قضاء ندارد. و ظاهر و ان کان فی دبر الصلاة یعنی و ان کان انحرافه ازید مما بین المشرق و المغرب‌، ظاهرش این است. چون فرمود انحراف ما بین المشرق و المغرب باشد یعنی کمتر از نود درجه یحول وجهه الی القبلة و ان کان فی دبر الصلاة اعاد الصلاة یعنی انحراف بیشت از آن مقدار.

پس وجه فقهی ندارد که در خصوص استدبار قبله بگوییم احتیاط استحباب مؤکد این است که قضاء بکند.

مطلب دوم این است که صاحب عروه فرمود و کذا اذا کان فی الاثناء. این در عبارتش هست. عبارت ایشان را بخوانم، می‌‌گوید و ان کان منحرفا الی الیمین و الیسار او الی الاستدبار فان کان مجتهد مخطئا اعاد فی الوقت دون خارجه و ان کان الاحوط الاعادة مطلقا سیما فی صورة الاستدبار بل لاینبغی ان یترک فی هذه الصورة و کذا اذا کان فی الاثناء. این یعنی چه؟ وکذا اذا کان فی الاثناء یعنی چه؟ چی می‌‌خواهد ایشان بگوید؟ و کذا اذا کان فی الاثناء عطف به کجاست؟ اگر وسط نماز ملتفت بشود انحرافش نود درجه یا بیشتر از قبله بوده، ‌این‌که اسوء حالا از این است که بعد از نماز متوجه بشود، شما بعد از نماز متوجه بشود فتوی دادید به وجوب اعاده نماز دیگه. اعاد فی الوقت دیگه این و کذا فی الاثناء یعنی چه؟

یک احتمالی هست و لو خلاف ظاهر است و آن این است که ایشان اشاره به یک فرع مهمی دارد می‌‌کند. فرع مهم این است:

در ضیق وقت، ‌اگر این نماز صبحش مشکلی برایش پیدا بشود نمازش قضاء می‌‌شود. وسط رکعت دوم مثلا در حال تشهد نماز صبح ناگهان دید پشت به قبله دارد نماز می‌‌خواند، ‌نمازش را قطع کند حتی یک رکعت نماز هم در وقت درک نمی‌کند، ‌چه کار کند؟ همین نماز را ادامه بدهد؟

محقق همدانی فرموده آره دیگه‌، همین نماز را ادامه بدهد و لکن به چرخش به سمت قبله. همین در حال تشهد که هستی پشت به قبله بودی خب صد و هشتاد درجه برگرد و تشهدت را رو به قبله بخوان و همین نمازت صحیح است. چرا؟ ایشان فرموده چون در تزاحم بین وقت و قبله وقت مقدم است. ما این را از روایات استفاده کردیم که اگر کسی در داخل وقت عاجز از استقبال قبله است، ‌نماز می‌‌خواند به هر سمتی که ممکن شد. اینجا هم همین کار را می‌‌کنیم.

خب انصاف این است که این فرمایش درست نیست. چرا؟ برای این‌که آقا!‌ تا حالا این عاجز بود؟‌ ‌عاجز از استقبال قبله، استقبال قبله در حقش ساقط است‌، این آقا عاجز بود از استقبال قبله؟ این آقا با قدرت بر استقبال قبله جهلا او نسیانا پشت به قبله نماز را شروع کرد الان عاجز است از تصحیح نماز. چرا این نمازش صحیح باشد؟ مقتضای اطلاقات این است که این نماز باطل است، ‌لاصلاة الا الی القبلة.

آقای خوئی فرمودند اصلا ما می‌‌توانیم به موثقه عمار تمسک کنیم برای اثبات بطلان این نماز. چرا؟‌ برای این‌که ذیل موثقه عمار گفت: و ان کان متوجها الی دبر القبلة فلیقطع الصلاة ثم یحول وجهه الی القبلة ثم یفتتح الصلاة. شامل این آقا هم می‌‌شود.

انصاف این است که این روایت ظاهرش ثم یحول وجهه الی القبلة ثم یفتتح الصلاة سعه وقت است. و ان کان متوجها الی دبر القبلة فلیقطع الصلاة ثم یحول وجهه الی القبلة ثم یفتتح الصلاة، ‌بعید نیست ظاهرش صلات ادائیه باشد نه این‌که ثم یفتتح الصلاة القضائیة. این خلاف ظاهر است.

[سؤال:... جواب:] ببینیند! این ظاهرش این است که همان نمازی که می‌‌خواند اگر ادائیه است این ثم یفتتح الصلاة همان نماز را بازخوانی می‌‌کند. بحث این است که تعبیر این است که فلیقطع الصلاة.... این آقایی که نمازش را قطع کند دیگه وقت ندارد نماز ادائی بخواند باید نماز قضائی بخواند.... حالا ما شبهه انصراف داریم که ثم یفتتح الصلاة یعنی همان نماز را با همان نوعی که شروع کرد اگر ادائی است این هم ادائی باشد.

و لکن مهم نیست، لاصلاة الا الی القبلة اقتضاء بطلان این نماز می‌‌کند.

بعضی‌ها گفتند آقا! این روایاتی که می‌‌گوید که فاته الوقت، شامل این می‌‌شود، این آقا فاته الوقت. خوب دقت کنید!‌ فوت وقت لازم نیست آفتاب بتابد، ‌زمانی که دیگر نمی‌توانی در داخل وقت نماز بخوانی و لو با ادراک یک رکعت در داخل وقت صدق می‌‌کند که فاته الوقت. جواب این است که ما در برخی از این روایات و لو تعبیر داریم فاته الوقت و لکن عمده این روایات دارد و ان کان قد مضی الوقت. ببینید!‌ صحیحه عبدالرحمن این‌جور دارد:‌ ان صلیت علی غیر القبلة و انت فی وقت فاعد و ان فاتک الوقت فلاتعد. خب قبلش دارد و انت فی وقت، در مقابلش دارد و ان فاتک الوقت. ما معتقدیم این روایت ظهور ندارد در این‌که این آقا بگوییم فاته الوقت. فاته الصلاة ؟ بله، ‌فاته الصلاة ، این آقا فاته الصلاة الادائیة. اما فاته الوقت، نه، ‌ممکن است فاته الوقت کنایه باشد از خروج وقت و لو به قرینه سایر روایات، بلکه به قرینه صدر همین روایت صحیحه عبدالرحمن که قبل از و ان کان فاتک الوقت تعبیر داشت و انت فی وقت فاعد.

این راجع به این مطلب. پس به نظر ما هم احتیاط این است که این نماز صحیح نیست وفاقا للسید الخوئی.

مطلب سوم، دقت بفرمایید! صاحب عروه گفته اگر تحری کردید نماز پشت به قبله خواندید مثلا یا با انحراف نود درجه یا بالاتر، قضاء ندارد اگر خارج وقت انکشاف پیدا کند اما اگر جاهل بودید، ‌غافل بودید ساهی بودید، ‌نه، خارج وقت هم ملتفت بشوید باید قضاء کنید. برخی از بزرگان مثل مرحوم آقای خوئی فرمودند نخیر اینجا هم قضاء ندارد.

وجهش را ان‌شاءالله فردا عرض خواهیم کرد.